

ایران

• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:

صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:

هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران

• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری

• مدیرعامل: علی متقیان

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • شماره: ۸۸۷۶۱۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۰۲۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰

• پیامک: ۳۰۰۴۵۱۳۱۳ • روابط عمومی: • صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸

• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه های همشهری

• سازمان آگهی های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

• پذیرش سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

پیامبر(ص):

خدانود کار خیری را که به آن شتاب شود، دوست دارد.



سخن روز

کافی، ج ۲، ص ۱۴۲، ح ۴



کتاب شعر تازه سیدعلی صالحی منتشر شد

مجموعه شعر «هی فطرب مهتاب پر بس کرشمه کلمات کو؟» سروده سیدعلی صالحی منتشر شد.

این مجموعه شعر در ۱۶۲ صفحه با شمارگان ۲۲۰ نسخه و قیمت ۲۵۰ هزار تومان در انتشارات مروراید راهی بازار کتاب شده است. سیدعلی صالحی در پایان کتاب نوشته است: «او درک پدیده انسان مستقل بود. ما هم در ایام خود، خوابگزار چنین رویایی هستیم. همه شاعران موفق، تأثیرگذار و مستقل، حامدانشان کم نیست و حاسدانشان بسیار است.» / **صبا**



معصومه آقاجانی پس از یک ماه از بیمارستان مرخص شد

معصومه آقاجانی دوبلور، بازیگر رادیو و تلویزیون با اشاره به وضعیت مساعد خود خبرداد که سوم آبان از بیمارستان مرخص شده است. این دوبلور و گوینده رادیو نمایش و بازیگر تلویزیون و سینما که حدود یک ماه در بیمارستان بستری بود، درباره وضعیت خود بیان کرد: «سوم مهر در بیمارستان بستری شدم و سوم آبان مرخص شدم، الان هم در منزل در حال استراحت هستم و خدا را شکر حالم بهتر است. حمله سندرومی داشتم که سخت و پیچیده بود. یک بار بیمارستان را عوض کردم و به بیمارستان دیگر رفتم که مراقبت بسیار خوبی داشتند.» / **مهتر**



محمد شیری پس از ۹ سال به صحنه تئاتر برمی گردد

محمد شیری پیشکسوت سینما، تئاتر و تلویزیون پس از ۹ سال با «خانه دراکولا» بار دیگر به روی صحنه تئاتر برمی گردد. آخرین باری که محمد شیری به روی صحنه حاضر شد، در گازی از مینیژه محامدی به نام «چشم اندازی از پل» بود. «خانه دراکولا» به کارگردانی بابک صحرایی قرار است بزودی به روی صحنه برود. در این کار، محمد شیرى و بیژن امکانیان همبازی هم هستند. علیرضا مهران، الهام حسینی، سعید اردشیری، ملیکا داررسی، حامد اسفندیاری و بابک صحرایی دیگر بازیگران این کار هستند. / **ایرنا**



تأسف علی نصیریان از فقدان مهرجویی و تقوایی

زمانی که ما وارد سینما شدیم تنها چیزی که برای ما اهمیت داشت، عشق به سینما و تلاش برای ایفای نقشی بود که از ما می خواستند و مسائل مالی در اولویت های بعدی قرار داشت. باعث تأسف است که سال گذشته داریوش مهرجویی را از دست دادیم و امسال ناصر تقوایی از بین ما رفت. هر کدام از این کارگردان ها آثارى تولید کردند که قابل دفاع است و هم برای ما به عنوان بازیگر و هم تماشاگران، خاطره ساز شده اند. یکی از کتاب هایى که امسال خواندم و بر آن مقدمه ای نوشتم، کتاب «استادان بزرگ بازیگرى و شیوه های آموزش آنها» است که «ریچارد برستاف» نوشته و پیمان معادی آن را ترجمه کرده است. به علاقه مندان جدی بازیگرى در سینما و تئاتر توصیه می کنم حتماً این کتاب را مطالعه کنند.



صحبت های علی نصیریان در دیدار مدیرعامل و اعضای هیأت رئیسه خانه سینما که به خانه این هنرمند پیشکسوت رفتند

ارزیابی چهل و دومین جشنواره فیلم کوتاه تهران

جایی که خلّاقیت هنوز نفس می کشد!



گزارش

محمد عرفان صدیقیان

خبرنگار سینما

و کیفی، نتیجه نهایی را مشخص می کند. به همین دلیل همواره و در هر فستیوال سینمایی بروز واکنش های مثبت و منفی نسبت به فهرست برندگان، حسن ختام جشنواره را رقم می زند.

آثار اقتباسی در روایت های کوتاه

بخش فیلم های اقتباسی جشنواره چهل و دوم، با حضور ۲۵ فیلم دنبال شد. آماری که نشان می دهد فیلمسازان جوان در تلاش برای برقراری ارتباط میان مدیوم های سینما و ادبیات هستند و تلاش می کنند برای غنی تر شدن خطوط داستانی فیلم های خود، از داستان های موفق حوزه ادبیات بهره برده و شکل روایی آثار خود را غنای بخشند.

برگ زرین این بخش به فیلم «آغ پاش» به نویسندگی و کارگردانی صمد قربان زاده از ارومیه اهدا شد. فیلمی که برداشتی خلاقانه و امروزی از داستان «زال و ماجرای سیمرغ» در شاهنامه فردوسی ارائه داده است و با نوعی فضا سازی درخور و چگونگی آدآپته کردن این قصه با زیست برآمده از دوران معاصر، از همان اولین نمایش خود در جشنواره چهل و دوم، به جایزه این بخش چشمک می زد!

در این بخش همچنین محسن جهانی برای «رادیون» لوح افتخار دریافت کرد. فیلمی کمدی و بامزه که در طراحی روایی خود وامدار کتاب «شما و رادیو» نوشته شاهرخ نادری است و ماجرای دلدادگی پسری جوان به دختری که هرگز او را ندیده است و از طریق برنامه ای رادیویی با یکدیگر ارتباط دارند را تصویر کرده است.

«های کی» دیگر فیلم قابل توجه این دوره از جشنواره نیز که بر مبنای داستان «شرکت سهامی آدم های مصنوعی» نوشته ری برادری ساخته شده است در این بخش شایسته تقدیر دانسته شد. فیلمی که علی رغم بهره بردن از سوزهای انسانی و برآمده از روابط پرنش امروز، قصه خود را بر بستری خیال انگیز پی ریزی می کند و امتیازهای پر شمار دارد. محمد

رحمتی برای نگارش «های کی» همچنین موفق به دریافت برگ زرین بهترین فیلمنامه اقتباسی شد.

اهدای ۳ جایزه نشان از کیفیت بالای فیلم های اقتباسی جشنواره چهل و دوم داشته است. در بخش پویانمایی نیز آثار خلاقانه بسیاری برای کارگردانی فیلم ده دقیقه ای «بی ام و ۲۰۰۲» برگ زرین را به خانه برد. انیمیشنی ساده و دو بعدی که از روایتی هیجان انگیز و گیرا سود می برد و قصه آن با محوریت دو شخصیت مرکزی، در دهه پنجاه و دوران حکومت نظامی تهران می گذرد.

تجربه گرایی

امسال بخش آثار حاضر در بخش فیلم های تجربی، حساسیت برانگیز شد و برخی کارشناسان از وجود فیلم های با زمینه های داستانی در این بخش گلایه داشتند. در نهایت نیز «یادداشت های زیرزمینی» به کارگردانی عباس شکوری جایزه اصلی این بخش را دریافت کرد که البته آن هم دارای خط اصلی داستانی پرتنگی است و از حضور رضا کاینانی در نقش کاراکتر اصلی سود می برد.

در بخش مستند نیز علاوه بر اهدای چند دیپلم افتخار، جوایز اصلی به «رضه ای برای دفاع برای بهترین روایت و «روبار» به عنوان بهترین فیلم مستند اهدا شد.

«روبار» دارای دغدغه های محیط زیستی است و موفق می شود روایتی هم دل برانگیز و اثرگذار ارائه کند و نسبت به سایر فیلم های این بخش، شایستگی بیشتری برای دریافت این جایزه داشت.

برگ زرین بهترین دستاورد هنری نیز به محمد دهباشی، کارگردان و طراح جلوه ویژه فیلم «هیام دنبالت» اهدا شد. فیلمی که دارای سوزهای خیالی است و به واسطه بهره بردن از بیانی سوررئالیستی که به کمک جلوه های ویژه خلق شده است، تماشاگر را با خود همراه می کند. حجم جلوه های ویژه دیجیتالی این اثر، و اهمیت

آن در نوع روایت پردازی اثر به حدی بود که داوران چاره ای جز اهدای جایزه به این فیلم نداشتند.

دهباشی موفق به دریافت برگ زرین بهترین تدوین نیز شد. فیلمی که تا حدی ایجاز روایی و باورپذیری خود را مدیون کات های خلاقانه دهباشی است.

حسن سلمانی و امیرحسین قاسمی برای صابرداری و صداگذاری فیلم «خدا حافظ آشغال» جایزه این بخش را دریافت کردند. اثری که با توجه به هوشمندی فیلمسازان جوانش، دارای جزئیات پرشماری در بخش های فنی مختلف است و طراحی صدای آن، نقشی فاسزاد در پیکره آن درآشته و به نظر می رسد اهدای جایزه به آن، انتخاب هوشمندانه ای از سوی هیات داوران بخش فیلم های داستانی بوده است.

«تأپیست» از مهم ترین فیلم های این دوره، دستخ از دریافت جوایز اصلی خالی نماند و پویان آقابایی با شایستگی توانست برگ زرین بهترین «فیلمبرداری» را به دست بیاورد. فیلمی مربوط به تاریخ معاصر که شکل و شمایل فنی نورپردازی و صورت ظاهری فیلمبرداری آن بسیار چشم نواز است و از همان ابتدا می شد جایزه بهترین فیلمبرداری را برای این اثر کنار گذاشت.

در بخش فیلمنامه اما، با آثار شگافی مواجه بودیم و همین موضوع کار را برای هیات داوران دشوار کرده بود. در نهایت برگ زرین بخش فیلمنامه به فیلم کوتاه «اناره» به نویسندگی مهرداد جلالی اهدا شد. فیلمی که بیانی استعاره ای داشته مهم ترین نقطه قوت آن، در نوع روایت پردازی و ضربه نهایی جاری در قصه



در این دوره

از جشنواره

به جز حرف و

حدیث های

رایج و

همیشگی

که عموماً

از سلیقه

شخصی افراد

در انتخاب

آثار نشأت

می گیرد،

حاشیه خاص

دیگری وجود

نداشت و

انتخاب های

نهایی کاملاً

بر اساس متر

و معیارهای

هنری و

سینمایی

انجام پذیرفته

بود

درخشش برادران ارک



بش

در جشنواره چهل و دوم، فیلم کوتاه «خدا حافظ آشغال» بیش از هر اثر دیگری به چشم آمد و دیده شد. بهمین و بهرام ارک پس از کارگردانی فیلم موفق «پوست» در سال ۱۳۹۸ حساسی در کانون توجه قرار گرفتند. اثری که فضای متفاوتی داشت و بر مبنای گونه ترسناک و مطابق با افسانه های محلی منطقه آذربایجان شکل گرفته بود. بازگشت برادران ارک به سینمای کوتاه، اقدامی غیرقابل پیش بینی بود و در نهایت نیز واکنش های بسیار مثبتی را به دنبال داشت. «خدا حافظ آشغال» از جمله فیلم هایی بود که میان مخاطبان حرفه ای جشنواره و هیأت داوران در خصوص ویژگی های مثبت و همچنین وجوه تازه فنی و هنری آن اتفاق نظر وجود داشت. همزیستی و ارتباط میان پیرزنی تنها و اسیر در خیالات و دل بسته به خرافه های محلی، با موجودی عجیب که بر مبنای کولازی از زبانه هایی مختلف تولید شده توسط شخصیت اصلی در طول دوران حیات او شکل گرفته بود، دارای سوزهای خلاقانه و جذاب بود و با نوع روایتی که برادران ارک در پاش گرفتند، زمینه ای پررنگ برای برداشتی های نوآیند و استعاره ای به دست می داد.

ساخته تازه این دوبلور، علاوه بر اینکه دارای بیشترین تعداد نامزدی در بخش های مختلف بود، با ری قاطع مخاطبان در نهایت توانست جایزه مهم و جذاب بهترین فیلم از نگاه تماشاگران را به دست آورد و بالاتر از «تأپیست» ساخته هادی نوری قرار بگیرد. محدث یوسفی و بهروز ارک نیز برای طراحی صحنه خلاقانه «خدا حافظ آشغال» و همچنین طراحی کاراکتر موجود خیالی در اثر، به صورت مشترک برنده جایزه بهترین دستاورد هنری شدند که انتخاب عادلانه ای به نظر می رسید. لیست جوایز این فیلم در همین جا به پایان نرسید و این دو برادر موفق شدند تا جایزه بهترین کارگردانی این جشنواره را هم با خود به خانه ببرند.



و تعویض جنسیتی، جنس فیلم را مرغوب نمی کند، گاهی نشان از خالی بودن دست فیلمساز برای جلب مخاطب است. تا پیش از این شاهد زن پوشی مردان بازیگر بودیم که البته برخی از آنها واجد ذوق زیبایی شناختی و دراماتیک است و نوی ذوق نمی زند، مثل بازی اکبرعبیدی در فیلم «آدم برقی» و «خوایم می آد» اما بعد از این، این ایده به تکرار افتاد. حالا انگار نوبت آن رسیده که از این سوی بام بقیتم: تبدیل زن به مرد، بدون هیچ نسبت معنادار یا ضرورتی برآمده از منطق دارم. این تمهید، نه خلاقیت و نوآوری سینمایی که تبدیل کردن سینما به مجموعه تصویری است تا تماشاگر از تماشای

عجایب به هیجان آید. الناز شاکردوست

بدون هیچ نسبت معنادار یا ضرورتی برآمده

از منطق دارم. این تمهید، نه خلاقیت و

نوآوری سینمایی که تبدیل کردن سینما به

مجموعه تصویری است تا تماشاگر از تماشای

عجایب به هیجان آید. الناز شاکردوست

بدون هیچ نسبت معنادار یا ضرورتی برآمده

از منطق دارم. این تمهید، نه خلاقیت و

نوآوری سینمایی که تبدیل کردن سینما به

مجموعه تصویری است تا تماشاگر از تماشای

عجایب به هیجان آید. الناز شاکردوست

بدون هیچ نسبت معنادار یا ضرورتی برآمده

از منطق دارم. این تمهید، نه خلاقیت و

نوآوری سینمایی که تبدیل کردن سینما به

مجموعه تصویری است تا تماشاگر از تماشای

عجایب به هیجان آید. الناز شاکردوست

بدون هیچ نسبت معنادار یا ضرورتی برآمده

از منطق دارم. این تمهید، نه خلاقیت و

نوآوری سینمایی که تبدیل کردن سینما به

مجموعه تصویری است تا تماشاگر از تماشای

عجایب به هیجان آید. الناز شاکردوست

بدون هیچ نسبت معنادار یا ضرورتی برآمده

از منطق دارم. این تمهید، نه خلاقیت و

نوآوری سینمایی که تبدیل کردن سینما به

مجموعه تصویری است تا تماشاگر از تماشای

عجایب به هیجان آید. الناز شاکردوست

بدون هیچ نسبت معنادار یا ضرورتی برآمده

از منطق دارم. این تمهید، نه خلاقیت و

نوآوری سینمایی که تبدیل کردن سینما به

مجموعه تصویری است تا تماشاگر از تماشای

عجایب به هیجان آید. الناز شاکردوست

بدون هیچ نسبت معنادار یا ضرورتی برآمده

از منطق دارم. این تمهید، نه خلاقیت و

نوآوری سینمایی که تبدیل کردن سینما به

مجموعه تصویری است تا تماشاگر از تماشای

عجایب به هیجان آید. الناز شاکردوست

بدون هیچ نسبت معنادار یا ضرورتی برآمده

از منطق دارم. این تمهید، نه خلاقیت و

نوآوری سینمایی که تبدیل کردن سینما به

مجموعه تصویری است تا تماشاگر از تماشای

عجایب به هیجان آید. الناز شاکردوست

بدون هیچ نسبت معنادار یا ضرورتی برآمده

از منطق دارم. این تمهید، نه خلاقیت و

نوآوری سینمایی که تبدیل کردن سینما به

مجموعه تصویری است تا تماشاگر از تماشای

عجایب به هیجان آید. الناز شاکردوست

بدون هیچ نسبت معنادار یا ضرورتی برآمده

از منطق دارم. این تمهید، نه خلاقیت و

نوآوری سینمایی که تبدیل کردن سینما به

مجموعه تصویری است تا تماشاگر از تماشای

عجایب به هیجان آید. الناز شاکردوست

بدون هیچ نسبت معنادار یا ضرورتی برآمده

از منطق دارم. این تمهید، نه خلاقیت و

نوآوری سینمایی که تبدیل کردن سینما به

مجموعه تصویری است تا تماشاگر از تماشای

عجایب به هیجان آید. الناز شاکردوست

بدون هیچ نسبت معنادار یا ضرورتی برآمده

از منطق دارم. این تمهید، نه خلاقیت و

نوآوری سینمایی که تبدیل کردن سینما به

مجموعه تصویری است تا تماشاگر از تماشای

عجایب به هیجان آید. الناز شاکردوست

بدون هیچ نسبت معنادار یا ضرورتی برآمده

از منطق دارم. این تمهید، نه خلاقیت و

نوآوری سینمایی که تبدیل کردن سینما به

مجموعه تصویری است تا تماشاگر از تماشای

عجایب به هیجان آید. الناز شاکردوست

بدون هیچ نسبت معنادار یا ضرورتی برآمده

از منطق دارم. این تمهید، نه خلاقیت و

نوآوری سینمایی که تبدیل کردن سینما به

مجموعه تصویری است تا تماشاگر از تماشای

عجایب به هیجان آید. الناز شاکردوست

بدون هیچ نسبت معنادار یا ضرورتی برآمده

از منطق دارم. این تمهید، نه خلاقیت و

نوآوری سینمایی که تبدیل کردن سینما به

مجموعه تصویری است تا تماشاگر از تماشای

عجایب به هیجان آید. الناز شاکردوست

بدون هیچ نسبت معنادار یا ضرورتی برآمده

از منطق دارم. این تمهید، نه خلاقیت و

نوآوری سینمایی که تبدیل کردن سینما به

مجموعه تصویری است تا تماشاگر از تماشای

عجایب به هیجان آید. الناز شاکردوست

بدون هیچ نسبت معنادار یا ضرورتی برآمده

از منطق دارم. این تمهید، نه خلاقیت و

نوآوری سینمایی که تبدیل کردن سینما به

مجموعه تصویری است تا تماشاگر از تماشای

عجایب به هیجان آید. الناز شاکردوست

بدون هیچ نسبت معنادار یا ضرورتی برآمده

از منطق دارم. این تمهید، نه خلاقیت و

نوآوری سینمایی که تبدیل کردن سینما به

مجموعه تصویری است تا تماشاگر از تماشای

عجایب به هیجان آید. الناز شاکردوست

بدون هیچ نسبت معنادار یا ضرورتی برآمده

از منطق دارم. این تمهید، نه خلاقیت و

نوآوری سینمایی که تبدیل کردن سینما به

مجموعه تصویری است تا تماشاگر از تماشای

عجایب به هیجان آید. الناز شاکردوست

بدون هیچ نسبت معنادار یا ضرورتی برآمده

از منطق دارم. این تمهید، نه خلاقیت و

نوآوری سینمایی که تبدیل کردن سینما به

مجموعه تصویری است تا تماشاگر از تماشای

عجایب به هیجان آید. الناز شاکردوست